

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
برگردان از: سیلویا بیژنیان-Sylvia Bejanian
۰۳ دسمبر ۲۰۱۸

جدائی از اتحادیه اروپا

برای تی پری میسان ، برخورد المان و فرانسه در رد درخواست انگلستان در حق خروج از اتحادیه اروپا نشان می دهد این اتحادیه تنها یک یوغ نیست . این موضوع به روشنی مشخص می کند ، مردمان اروپا به اندازه دو جنگ جهانی، نسبت به همسایه های خود بی اعتناء می باشند. ظواهر نشان می دهد که آنها تفکر حکومت کردن را فراموش کرده باشند، چرا که حمایت از منافع کوتاه مدت یک کشور، به نشانه تفکری دراز مدت است که می تواند مانع از جنگ و آشوب با کشور های همسایه گردد .

ولتر شبکه | دمشق (سوریه) / ۱ دسمبر ۲۰۱۸



شهروندان عضو اتحادیه اروپا متوجه ابرهای تاریکی نیستند که بر فراز سرشان در حال شکل گیری است . آنها به مشکلات عمده اتحادیه پی برده اند ، اما براحتی از کنار آن می گذرند و متوجه نیستند که خروج بریتانیا (برکسیت) چه عواقبی خواهد داشت . آنها به آرامی وارد بحرانی می شوند که تنها راه حل آن می تواند خشونت باشد .

منشای مشکل

به هنگام انحلال اتحاد جماهیر شوروی ، اعضای اتحادیه اروپا ، با تمکین به خواسته های ایالات متحده ، تصمیم گرفتند تا دولت های اروپای مرکزی را در اتحادیه ادغام نمایند ، در حالی که این کشورها به لحاظ منطق عضویت دارای شرایط مورد نظر نبودند . در همین مسیر ، آنها پیمان ماستریخت را پذیرفتند ، که باعث شد پروژه اتحادیه اروپا از هماهنگی اقتصادی دولت های مشمول ، به سمت دولتی فرا ملی هدایت شود . هدف ساختن یک بلوک سیاسی وسیعی بود ، با حمایت نظامی ایالات متحده ، که اتحادیه را به سمت رونق و پیشرفت هدایت کند .

اما این دولت فرا ملی ، به هیچ عنوان دموکراتیک نبود و از سوی کمیسیونی تشکیل یافته از افسران عالی مقام می باشد ، که اعضای آن از سوی سران دولت ها و کشورها تعیین شده اند . هیچ گاه در تاریخ ، یک امپراتوری به این شکل عمل نکرده است . به سرعت این مدل ، نظام دیوان سالار مشترکی به وجود آورد ، که در آن برخی از دولت ها "حقوق بیشتر از سایرین داشتند" .

پروژه فرا ملی ، مناسب جهان تک قطبی نبود ، از این رو کمیسیون اروپا از بخش مدنی طرح مارشال پیروی می کرد که سازمان ناتو بخش نظامی آن را تشکیل می داد . بورژوازی اروپای غربی ، دل نگران از مدل شوروی ، تا سال ۱۹۴۸ از سوی کنگره ای در لاهه از طرح وینستون چرچیل ، پیروی می کرد . اما پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی ، دیگر لزومی از حمایت از این کنگره وجود نداشت . کشورهایی که در گذشته به پیمان ورشو تعلق داشتند ، از ورود به اتحادیه شک داشتند و از این رو با ایالات متحده ، اتحاد مستقیمی به وجود آوردند . به طور مثال پولند ، هوایمهای جنگی از ایالات متحده خریداری نمود و از آنها در جنگ عراق استفاده کرد ، با این امید که اتحادیه برای مدرنیزاسیون بخش کشاورزی به او وامی اعطا کند .

پیمان ماستریخت ، تنها اتحادیه پولیسی و حقوقی نمی باشد ، بلکه واحد پولی و سیاست خارجی ویژه ای را نیز به وجود آورده ، تمام دولت های عضو می بایستی از این واحد پولی استفاده کنند (یورو) ، آنهم زمانی که اقتصاد ملی آنها توان انجام این کار را داشته باشد . تنها دنمارک و انگلستان ، مشکلات پیش رو را احساس می کردند ، و وارد اتحادیه نشدند . سیاست خارجی اتحادیه در جهان تک قطبی که ایالات متحده بر آن حاکم بود ، ظاهراً به خودی خود پیش می رفت . با توجه به فاصله هایی که در منطقه یورو ایجاد شد ، دولت های کوچک طعمه دولت های بزرگی مانند المان شدند . واحد پولی یگانه ، به هنگامی که وارد جریان بازار شد ، با دالر تنظیم می شد و به تدریج به مارک بین المللی المان بدل شد . از آنجائی که پرتغال ، ایرلند ، یونان و اسپانیا نمی توانستند با این واحد پولی رقابت کنند آنها از سوی سرمایه گذاران به طور نمادین پیگ (خوک) خوانده شدند . در حالی که برلین اقتصاد آنها را می بلعید ، به یونان پیشنهاد داد برای بهبود وضعیت اقتصادی ، بخشی از خاک کشورش را واگذار کند .

مشخص شد اتحادیه اروپا ، با دنبال کردن رشد اقتصاد جهانی خود ، در برابر کشورهایی که رشد اقتصادی آنها چند برابر بیشتر و سریع تر بود ، عقب مانده است . ورود اعضای سابق پیمان ورشو به اتحادیه اروپا ، با وجود امتیازاتی که داشت ، برای اروپای غربی مشکل ساز شد .

انگلستان در برابر این مشکلات تصمیم گرفت از این دولت برتر خارج شود (برکسیت) تا به سان گذشته به کشور های مشترک المنافع و در صورت امکان به چین بپیوندد . کمیسیون اتحادیه ترسید تا انگلستان برای سایر اعضای اتحادیه با حفظ بازار تجاری مشترک الگویی باشد و به موجودیت اتحادیه پایان دهد . از این رو شرایط بازدارنده ای ایجاد کرد .

مشکلات درونی انگلستان

اتحادیه اروپا از آنجائی که از منافع ثروتمندان در برابر فقراء دفاع می کند ، روستائیان و کارگران انگلستان برای خروج از این شرایط رأی دادند ، در حالی که بخش سوم جامعه ترجیح دادند تا در اتحادیه باقی بمانند .

از آنجائی که جامعه بریتانیا ، مانند سایر کشورهای اروپا ، دارای بورژوازی ثروتمندی است که ثروتمند شدن خود را ناشی از اتحادیه اروپا می داند ، اما به عکس سایر کشورهای اتحادیه از طبقه اشراف قدرتمندی نیز برخوردار می باشد. این طبقه اشراف پیش از جنگ دوم جهانی از تمام امتیازاتی که هم اکنون اتحادیه اروپا برای آنها فراهم می کند ، برخوردار بوده است ، اما این امتیازات را هم اکنون بروکسل نمی تواند برای آنها تأمین نماید . از این رو طبقه اشراف به برکسیت در برابر طبقه بورژوازی ثروتمند رأی دادند ، که این امر باعث ایجاد بحران درحاکمیت شد .

Global Britain در واقع انتخاب ترزا می به صورت نخست وزیر ، برای حفظ دو طرف بوده . اما جریانات در مسیر دیگری افتادند .

✦ خانم می ، نتوانست قرار دادی با چین ببندد و با کشورهای مشترک المنافع نیز مشکلاتی دارد ، چرا که رابطه آنها طی تاریخ از بین رفته بود .

خانم می ، با اقلیت سکاتلندی و ایرلندی دچار مشکل شده است ، به خصوص این که اکثریت کابینه او تشکیل شده از ایرلندی های پروتستان می باشد ، که بر منافع خود بسیار تأکید دارند .

خانم می در برابر خواسته های کورکورانه برلین و بروکسل قرار گرفته .

و در پایان ، او باید در برابر "روابط خاص" به وجود آمده میان کشورش و ایالات متحده پاسخگو باشد .

مشکلاتی که در اثر عملیاتی شدن برکسیت رو شد

انگلستان ، پس از آن که چندین پیمان را از نظر گذرانید ، به طور دموکراتیک در تاریخ ۲۳ ماه جون ۲۰۱۶ ، برای برکسیت رأی داد . طبقه ثروتمند بورژوا ، که به آن اعتقادی نداشت ، بلافاصله این پیشنهاد را مورد سؤال قرار داد . از این رو صحبت رفراندوم دیگری پیش آمد ، همانگونه که دنمارک در پیمان ماستریخت عمل کرده بود . این کار غیر ممکن به نظر می رسید ، چرا که "برکسیت بدون انعطاف" ، (بدون تعهد جدیدی با اتحادیه اروپا) ، "برکسیت نرم" (با حفظ چند مسؤولیت) امکان پذیر نبود . رسانه ها اطمینان خاطر دادند که برکسیت یک فاجعه اقتصادی برای اهالی انگلستان خواهد بود . در واقع ، مطالعات پیش از رفراندوم مشخص می کند که نخستین سالهای خروج از اتحادیه مشکل خواهد بود ، اما انگلستان خیلی زود می تواند از این بحران خارج شود و از اتحادیه پیشی بگیرد . مخالفان نتایج رفراندوم - که مخالف خواسته عمومی می باشد - باعث شده تا اجرای آن با تأخیر مواجه شود . خروج بریتانیا از سوی کمیسیون دولت با نه ماه تأخیر انجام شد (۲۹ ماه مارچ ۲۰۱۷) .

در ۱۴ ماه نومبر ۲۰۱۸ - دو سال و چهار ماه پس از رفراندوم - ترزا می عقب نشینی می کند و حاضر می شود قرار داد بدتری با کمیسیون اروپا ببندد . با ارائه این طرح به دولت ، هفت تن از وزرای او استعفاء می دهند ، به خصوص شخصی که مسؤول برکسیت بوده است . در واقع ، او از تمامی متنی که ترزا می ارائه داده بود بی خبر بوده است .

این سند ، تمامی شرایطی را داشت که برای کشوری مستقل غیر قابل پذیرفتن است . دوران خروج از اتحادیه ، مشخص نشده است و طی این مدت انگلستان به صورت عضو اتحادیه به حساب نخواهد آمد ، اما باید تابع مقرراتی باشد که به او تحمیل خواهد شد .

در پشت این وضعیت نابسامان ، المان و فرانسه قرار دارند .

از ابتدای نتایج referendum انگلستان ، المان متوجه شده بود که برکسیت باعث تنزل چندین میلیارد یورو از تولید ناخالص داخلی اش خواهد شد . دولت مرکل به جای پرداختن به اقتصاد خود ، در برابر خروج انگلستان از اتحادیه مانع تراشی نمود .

رئیس جمهور فرانسه ، امانوئل مکرون، نیز نماینده بورژوازی ثروتمند اروپا است . از این رو مخالف برکسیت می باشد.

اشخاصی که در پس جریانات سیاسی قرار دارند

صدر اعظم المان می توانست بر مدیر اتحادیه ، دونالد تاسکپولندی حساب کند . اما او نتوانست این مقام را به دست آورد زیرا نخست وزیر سابق کشورش بوده ، اما دو علت بارز وجود داشت : به هنگام جنگ سرد ، خانواده او به اقلیت کاشوب تعلق داشتند و ایالات متحده را به اتحاد جماهیر شوروی ترجیح دادند و از سوی دیگر او دوست دوران کودکی مرکل بوده است .

تاسک، موضوع ورود بریتانیا به برنامه های سالیانه اتحادیه را پیش کشید . چنانچه لندن حاضر به پرداخت مبلغ مورد نظر باشد ، می تواند از اتحادیه خارج شود ، و باید مبلغ ۵۵ تا ۶۰ میلیارد لیور پرداخت نماید .

نخست وزیر و کمیسر سابق فرانسه ، میشل بارنیه ، به عنوان مسئول عقد قرار داد با City انگلستان انتخاب شده است . بارنیه نسبت به مسأله مشکلات خاصی دارد ، چرا که در سال ۲۰۰۸ با آن بد رفتاری کرده . علاوه بر این سرمایه گذاران بریتانیایی آرزو دارند از یوان چینی در برابر یورو استفاده کنند .

بارنیه موافقت کرده مشاور او سابین ویاند المانی باشد . در واقع اوست که قرار دادهای اتحادیه را به قصد شکست آنها می بندد .

هم زمان، مردی که در پشت امانوئل مکرون قرار دارد ، رئیس سابق نظارت مالی ، ژان پیر ژویه می باشد ، و سفیر فرانسه در لندن است . او از دوستان بارنیه بوده و بحران مالی ۲۰۰۸ را مدیریت کرده .. برای شکست برکسیت ، ژویه بر رهبر محافظه کار حزب مخالف ترزا می ، کنل تام توگندات ، حساب می کند ، که رئیس کمیسیون امور خارجه اتاق نمایندگان می باشد .

ژویه ، همسر توگندات ، آنیسیا توگندات را وابسته سفارت فرانسه در لندن نمود .

تبلور بحران در جلسه شورای اتحادیه در سالزبورگ در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ می باشد . ترزا می ، توانست توافقی که در کشورش به دست آورده بود ارائه دهد ، با وجود آن که برخی طرح "چکرز" را (برای حفظ بازار مشترک با انگلستان ، و آزادی رفت و آمد شهروندان ، سرویس ها و سرمایه ها ، را مطرح نمودند ، تا زیر بار مقررات اداری اروپایی لوکز امبورگ نباشند) . دونالد تاسک تمام آنها را یکباره رد کرد .

نگاهی به گذشته ضروری است . پیمانها که باعث پایان دادن به شورش های (آی ار آ) علیه استعمار انگلستان گردید ، نتوانست به این بحران پایان دهد . صلح برقرار شد ، چرا که اتحادیه اروپا اجازه داد تا مرز میان دو کشور ایرلند برداشته شود . تاسک پافشاری می کند تا برای جلوگیری از جنگ آزادیبخش ملی ، ایرلند شمالی بتواند در سیستم گمرکی اتحادیه باقی بماند . این موضوع باعث خواهد شد تا مرز کنترل شده توسط اتحادیه اروپا به وجود آید ، و این مرز انگلستان را به دو بخش تقسیم می کند ، و کشور ایرلند شمالی را از سایر بخش های این کشور جدا می سازد .

به هنگام جلسه دوم شورا ، در برابر تمام رهبران دولت ها ، تاسک ، در را بر ترزا می بست ، و او را تنها در خارج از محوطه قرار داد . این رفتار تحقیر آمیز در برابر عموم مردم تبعاتی خواهد داشت .



چند نظر در ارتباط با خروج از اتحادیه اروپا

تمام این ترفندها ، نشان از مهارت رهبران اتحادیه دارد . به نظر می رسد که آنها از مقررات بی طرفانه ای حمایت می کنند و به طور دست جمعی برای یک هدف تصمیم می گیرند که به نفع عموم آنها ست (حتا در صورتی که از سوی انگلستان رد شود) . در واقع ، برخی از منافع کشورشان در برابر بقیه متحدان دفاع می کنند و برخی دیگر از طبقه خاص اجتماع در برابر سایر طبقات . بدترین صورت شانناژی است که در برابر انگلستان اعمال می کنند : این کشور را وادار کرده اند تا به شرایط اقتصادی بروکسل تمکین کند، جایی که از جنگ استقلال طلبانه ایرلند شمالی حمایت می شود .

این رفتار می تواند باعث بیداری بحران داخلی اروپا شود ، به همان صورت که در دو جنگ جهانی اتفاق افتاد . بحران هائی که اتحادیه کوشیده بر آنها سرپوش بگذارد و تا کنون بدون راه حل باقی مانده .

امانوئل مکرون و آنگلا مرکل بخوبی می دانند که بازی با آتش را آغاز کرده اند ، از این رو ناگهان به فکر تشکیل ارتش اروپائی افتاده اند که در آن انگلستان نیز باید قرار بگیرد . چنانچه سه قدرت بزرگ اروپا به لحاظ نظامی با یک دیگر متحد شوند ، مشکل حل خواهد شد . اما این اتحاد غیر ممکن است ، چرا که یک ارتش باید رهبر نیز داشته باشد . استبداد دولت فرا ملی ، به حدی است که به هنگام برکسیت ، سه جبهه به وجود آمده است . کمیسیون نسبت به پولند و هنگری (به خواست اتحادیه اروپا) دو تحریم اعمال کرده ، چرا که این دو کشور را متهم به زیر پا گذاشتن ارزش های اتحادیه کرده : هدف از این کار آن است که این دو کشور در موقعیت انگلستان به هنگام برکسیت قرار بگیرند: تا مقررات اتحادیه را محترم بشمارند . در عوض ، در برابر رفورم های اعمال شده در ایتالیا ، که مغایر با ایدئولوژی اتحادیه است ، دولت فرا ملی ، به رم اجازه نمی دهد تا بودجه ای داشته باشد تا سیاست داخلی خود را به خوبی اجراء کند .

بازار مشترک اتحادیه اروپا باعث شده تا صلح در اروپای غربی برقرار شود . اما ، جانشین آن اتحادیه اروپا ، این میراث را از میان برده و اعضای خود را به اعمال خصومت در برابر هم قرار می دهد .